

یادداشت های مرید از مراد

مؤلف: بهرور منصور کوهی



انتشارات مهر حنظله

سرشناسه	: کوهستانی، محمداسماعیل، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: یادداشت‌های مرید از مراد/ مولف بهروز منصور کوهی.
مشخصات نشر	: دامغان: مهر حنظله، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۸ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: 978-600-99843-1-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: کوهستانی، محمداسماعیل، ۱۳۳۴ - - کلمات قصار
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- کلمات قصار
موضوع	: 'Quotations' -- Iran -- Ulama
موضوع	: اسلام -- کلمات قصار
موضوع	: Islam -- Quotations, maxims, etc.
نویسنده	: منصور کوهی، بهروز، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۵/۱۵۳BP ۵/۱۳۹۶ ۱۳۹۶/۵
رده بندی دیویی	: ۳۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۵۲۶۹۷

نویسنده: یادداشت‌های مرید از مراد

بهروز منصور کوهی

وب‌سایت: راستگار

طراح جلد: حمیده راسانی

شابک: ۱-۲-۱۸۴۳-۹۷۸-۶۰۰

ناشر: انتشارات مهر حنظله

تاریخ نشر: ۱۳۹۶

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

فهرست

۵.....	مناجات.....
۶.....	رسن گشتار.....
۱۰.....	مقدمه.....
۱۵.....	یادداشت های مربوط به.....

پیش گفتار

ارتباط علم با عمل

آموزش علم و دانش ویا بعبارت دیگر بدست آوردن فهمش و حکمت باعث آن میشود تا انسان به کمال و منزلت خویش برسد و بزندگی فایق آید. علم باعث میگردد تا انسان حسرت خویش را بشناسد و بعد پروردگار و خالق خو درآ. بکمک علم انسان از تنگنا و کرره را رهای دشوار و صعب العبور زندگی راه بیرون رفت خو درآ می یابد. اما این مامول و قابل آفریده میشود که دانش آموخته شده بخود حنبه عمل بپوشد چونکه میان علم و عمل ارتباط منطقی موجود است بدین معنی که این دو پدیده لازم و ملزوم یکدیگرند طوری که وجهی یکی وابسته به هستی دیگری است. اگر علم تنها آموخته میشود و بعمل نیاید و یا عمل بدون آموزش یابنده آن بگفته تمام علما و حکما احمق ناب و محض میباشد چنانچه عالم بزرگ و بی مثال سعدی میفرماید:

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در بون مستی

نه محقق بود نه دانشمند چارپائی درو کتابی چند

واقعاً چنین است همانطور یکه مرکب از بار گران کتب پیری جز نگرینی وزن نمیداند، الاغ که کتب بالایش بار باشد هیچ نمیداند که این کتب درمورد چی معلومات میدهد و ارزش اینها در چیست فقط از زیادی بار نفسک میزند و دوکلبه راه میبرد. عالم دور از عمل نیز جز از یاوه گوئی چیزی دیگری نمیداند. حتی تفکیک

کرده نمیتواند که چگونه باید حرف بزند و چطور. گاهی از آسمانها و کائنات حرف در میان می آورد و زمانی از چون و چند روزگار.

اگر داکتر علمی را که آموخته تنها از آن در اتاق معاینه خانه واز عقب میز کار بخاطر دریافت فیس استفاده نماید نه تنها حتی یک مریض را از درد شفا داده نمیتواند بلکه صدها انسان بینوا را به دنیای ابدی میفرستد. پس این احمق است که چنین میکند زیرا عالم در هر رشته و بخشی که باشد به آرزوی اینست تا به همنوعان خویش یاری رساند نه اینکه جان آنان را بگیرد.

متخصص زراعت اگر بالای مزرعه نرفته و نوع خاک، توپو گرافی، وضعیت اراضی را از نزدیک نبیند بیقین هیچ کمک به دهقان کرده نمیتواند نه اینکه کمک کرده نمیتواند بلکه مزرعه او را به تباهی نشاند و حیات ویرا بخطر مواجه میسازد. باز هم صراحت دارد که وارد کردن خسران نمونه ای مقی است.

انجینری که فقط همچون مرغ کرکی الی جری در پشت میز نشسته و خمارآلودانه قو مانده میدهد آنچه که از دیگ کله اش می برآید همچون تخم زرداب شده جز از یک پل، بند و یا طراز مبتذل و دردناک بخور چیزی دیگری حاصل نمیشود.

عالم دین وقتی که خوب واضح میخواند که پیغمبر بزرگ اسلام رشوه خور، رشوه دهنده و وساطت میان این دوکس لعنت فرستاده است و میگوید که در مسند قضاوت و حکمیت قرار میگیرد نمونه رشوه خوران میشود بیقین که بسیاری اعتبار ساختن مقام پیغمبر بزرگ خود چیزی دیگری کرده نمیتواند. پس نادان محسوس است آنکه به حیثیت پیغمبر بزرگ اسلام لطمه وارد میسازد.

از اینجااست که سعدی بزرگ میفرماید:

از من بگوی عالم تفسیر گوی را گردر عمل نکوشی نادان مفسری

بار درخت علم ندانم بجز عمل با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری.

همین آموزش علوم بی عمل بود که سرک ما به دفعات ترمیم طلب شد، مریض ما بارها روانه هند، پاکستان و ایران گردید ولی شفا نیافت. انجینر ما جانشین مرغ کرکی شد. رئیس جمهور ما تقلب کار بی نظیر از آب درآمد. حکومت ما در فساد اداری معروف جهان گردید، دین مقدس ما تبدیل به نفرت شد. وطن ما میدان شطرنج و تاخت و تار گانگان گردید. ملای ما در محبس گوانتاناما، پولیس ما در خوست، جوانان تازه در مجرم ما در میدان هوایی بگرامی و زنان و دختران ما در هتل های رنگارنگ دبی، کازینو و جنس گرایی فرو رفتند.

بزرگان واقعی گفته اند: عالم بی عمل زنبور بی عسل است. ویا اینکه گفته اند: بدترین علم ها دانشی است که به آن عمل نکرده. هکذا گفته اند: دانش بدون عمل سختی و عذاب است.

در کتاب منظره مرگ گفته شده است: عالم بی عمل مانند مومی بی عسل، سخی بی زر و درختی بی ثمر است ویا اینکه: لطفی ندارد عمل بدون علم و علم بدون عمل. در حقیقت علم بی عمل مثل دروغ گوئی میباشد که حافظه خویش را از دست داده است ویا اینکه مثل کامپیوتری است که با ویروس آلوده شده است.

براستی که اگر علمای دین ما به علمی که خوانده بودند که در آن بهمان خداوند توانا درشان و خرد یک مسلمان و خدا پرست نیست که انجام دهد واز آن مطلق می هراسیدند امروز رشوت و فساد اداری این کشور را به کام افعی زمان فرو نمی برد چونکه آخرین فیصله را مولوی قاضی شده این وارث پیغمبر اسلام بعمل می آورد به نحوی که پیغمبر بزرگ اسلام زنا کار را سنگسار، دزد را از دست قطع و لواطه کار را

میکشت ولی وارث وی همه را در بدل رشوه که پیغمبر آنرا لعنت گفته است برانت میدهد. اینست عالم و اینست عمل. پس بکدام دید خود را انسان ذی شعور، کامل و مفید به دیگران بدانیم؟ این سوالی است که جواب آن یا به شیوه زن لچر و یا بقسم مرده گاوی که سر را با لحاف پوشانده و زیر انداخته از نظر دیگران بدور رود دیگر طوری نیست.

اگر ما با عالم که خوانده بودیم باور میداشتیم و به آن عمل میکردیم چرا درسمنگان پدر دختر خود را حامله دار میکرد؟ چرا قاضی ما نمونه رشوه ستانی می بود و چرا حاکم این وطن غلام رزیر که راجنبی می بود. خلاصه آنچه که امروز بر سری ما می بارد نتیجه آموختن علمی عملی ماست و بر حسب اظهار عقاب و تیر پر خودش: .. ز که نالیم که از ماست که بر ماست

کتاب پیش رو که در واقع مجمره ز مات قصار استاد بزرگوارم، دانشمند فرهیخته، فرزند خلف حضرت آیت الله کوهستانی (مد ظله تعالی علیه) می باشد را تقدیم می کنم به روح پدرم و جاودان عزیز و گرانمایه ما آقای و تمام کسانی که نبودنشان در باورمان نمی گنجد. امید آنکه مقبول آستان بلند ذات قدس اله افتد.